

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/01/22



مستثنیات اجزاءمیتة

مستثنیات اجزاءمیتة که در روایت شیخ صدوق (ره) ده مورد ذکر شده بود و موارد دیگر هم اضافه می شود

در بین مستثنیات چهار مورد نیاز به بررسی دارد

در جمع مستثنیات چهار مورد نیازی به بحث و تحقیق دارد مورد اول عظم و استخوان بود که بحثش کامل شد مورد دوم عبارت است از بیضه المیتة که این موضوع هم نیازی به بحث و تحقیق دارد آیا از مستثنیات هست و تعریف مقوم مستثنیات چه بود ما لا تحله الحیاه و فتوا و نصوص در این رابطه چه مطلبی را اعلام می کند نیازی به بحث دارد سوال و جواب بحث که داریم ربط به این مطلب ندارد منتها این را احتمالاً در بحث بئر گفته باشیم انجا توارد حالتین است اب هست و تنجیس سابقه و لاحق معلوم نیست قاعده طهارت احتمال طهارت وجود دارد و نفی عسر هم ضمیمه می شود این اجمال قضیه است اما گفتم که چهار موضع از اجزای میتة که استثناء شده است نیاز به بحث دارد

عظم که بحث آن گذشت

مورد اول عظم بود که گفته شد

بیضه میتة (از مستثنیات میتة)

مورد دوم بیضه المیتة اولاً ببینیم نصوصی که درباره بیضه المیتة آمده است به چه صورت است و در چه حد و اندازه است و قواعد باب در این باره چه چیز را برای ما اعلام می کند مورد را از لحاظ نصوص و از لحاظ قاعده بحث کنیم

روایات دال بر طهارت بیضه

اما از جهت نصوص حلیت یا طهارت بیضه میتة در روایات زیادی که آمده است که بی تردید روایات دال بر طهارت بیضه میتة در حد تواتر است در همین باب 33 از کتاب اطعمه و اشربه جلد 16 وسائل که این باب سیزده روایت دارد در ده روایت موضوع بیضه المیتة ذکر

شده و حکم به طهارت ان اعلام شده است قسمتي از اين روايات اسناد صحيحه دارد جاي تامل در کار نیست اين روايات ده گانه چون کل باب سيزده تا روايت است نيازي به شمردن ندارد ده تا روايتش موضوع بيضه الميته را ذکر مي کند از جمله اين نصوص حديث شماره 3 همين باب صحيحه حريز از امام صادق عليه السلام که به زراره و محمد بن مسلم فرمود اللبن و اللبن و البيضة تا اخر **و كل شي يفصل من الشاه و الدابه فهو** زكي دلالت کامل بر طهارت بيضه حيوان ميته دارد و روايت ديگر که خصوصيات بيضه ميته را بيان مي کند چنانچه فتواي سيد طباطبائي يزدي را شرط را در نظر گرفته است که بيضه ميته اذا اکتست القشر الاعلي اين خصوصيت در روايت شماره 6 همين باب 33 آمده است روايت موثقه است عنه شيخ کليني عن احمد بن محمد عن محمد بن يحيي گفتم براي شما احمد بن محمد و محمد که پشت سر هم بيانند اشعريين قميين هستند عن غياث بن ابراهيم که يزدي هست و توثيق شده است روايت موثقه است از امام صادق في بيضه خرجت من اسد دجاجة ميته سوال شد از تخم مرغی که بيرون بيايد از مخرج دجاجة مرده اسد در لغت حلقه الدبر **قال ان کانت اکتست البيضة الجلد الغليظه فلا باس بها** خصوصيت بيان شد فرمايش مرحوم اقاى خويي بر عدم انصراف روايات دال بر طهارت ميته بر ميته ماکول اللحم

سيد الاستاد (ره) اين سه مورد بحث برنگيز در کتاب تنقيح جلد 2 از صفحه 422 تا صفحه 432 بحث مي کند مي فرمايد علامه حلي که در منتهي جلد 1 صفحه 166 فرموده است که بيضه ميته غير ماکول اللحم نجس است شايد دليلش انصراف باشد که اين نصوص انصراف دارد به ماکول اللحم و مواردی هم تصريح شده است مثل همين حديث ششي که خوانديم الاسد الدجاجة که مرغ خانگی است مي فرمايد که هر چند انصراف را ما قبول کنيم باز هم حکم به نجاست بيضه ميته که غير ماکول اللحم نمي توانيم صادر کنيم براي اينکه طهارت بيضه ميته از نصوص استفاده نمي شود طبق قاعده است قاعده اين است دليل نجاست ميته شامل بيضه ميته نمي شود به تفسير ساده تري در عرف بيضه را ميته نمي دانند ميته چيز جداست بيضه فقط مظروف است در ظرف ميته وجود دارد و نجاست و طهارت ذاتي از مظروف به ظرف منتقل نمي شود ظرف استقلال وجودي دارد مظروف استقلال وجودي دارد طبق قاعده دليل بر نجاستش نداريم بنابر اين ميته که بيضه اي که از ميته حيوان خارج بشود محکوم به طهارت است فرق بين محلل الاکل و محرم الاکل نیست

ادعای اجماع و نفي خلاف در طهارت بيضه ميته

البته اين حکم را صاحب جواهر هم مي فرمايد که مورد اجماع منقول و نفي خلاف در اين حکم اعلام شده است از ديد فتوا مورد اجماع منقول يا نفي خلاف قاعده هم ان نصوص هم در حد متواتر فتواي متن هم همين

تحقيق مطلب بعيد نیست که نصوص مربوط به بيضه ماکول اللحم باشد

اما تحقيق اين است که حکم بيضه ميته از نصوص متواتر در باب استفاده شده است ما اگر بگويم نياز به نصوص نداريم مي شود من الغرائب ده تا نص گفتيم آمده بي فائده بشود معلوم است که طبق قاعده مسلم نبوده که اين مقدار نصوص آمده است اين اول و ثانيا در صورتي که نصوص باشد بر اساس مبناي خود سيد الاستاد نوبت به قاعده نمي رسد ان هم نصوصي که در حد تواتر باشد بنابر اين ما بي هيچ ترديد در اين رابطه به نصوص نظر مي

کنیم و می بینیم که نصوص بین انصراف و بین تعیین است در بعضی از نصوص به شکل متعین دجانه آمده و در بعضی از نصوص صحبت از اکل لحم به میان آمده این نصوص هم در کتاب اطعمه و اشربه است با این قرائن استنباط این حکم که نصوص اختصاص داشته باشد به طهارت و حلیت بیضه حیوان ماکول اللحم بعید به نظر نمی رسد مضافاً بر این اگر به تعبیر بعضی از عزیزان که اگر ما تخم سوسمار را در نظر بگیریم تخم حیواناتی که ماکول اللحم نیستند این همه نصوص را درباره ان بیض بیاوریم چه فائده ای دارد ماکول اللحم که نیست مبتلا به همه طور عموم نیست مخصوصاً در زمان صدور نصوص به قول امام خمینی عنصر زمان و مکان که خبری از مسائل علمی و آزمایشگاهی هم که نبوده اگر برای آنها این نصوص آمده باشد به هیچ تردید بیانی است که اثر عملی ندارد این بیان ادم عادی نیست نصوص است نصوص اگر بدون واقعیت عملی در معنا بدون ترتیب اثر عملی اعلام بشود موجب لغویت و محال بنابراین حمل بر بیضه حیوان محلل الاکل بجاست همان طور که علامه حلی می فرماید اگر مطلقات داریم انصراف اگر هم بدوی بود از باب حمل مطلق بر مقید بر اساس قرائن استنباط این می شود که حلیت بیضه میته اختصاص دارد به میته محلل الاکل این موضوع دوم

انفحه (خمیر مایه) از مستثنیات میته

موضوع سوم ما که عبارت است از انفحه این که مورد سوال هم هست و بحث برانگیز است انفحه را ببینیم نصوصی که درباره انفحه آمده است در همین باب 33 کتاب اطعمه و اشربه

فرق روایت مستفیض و متواتر

نصوص وارده درباره انفحه قطعاً هم در حد مستفیض است روایات بیضه میته ده تا بود این هفت روایت است هفت تا روایت بعضی از روایات با سند صحیح برای یک محقق بلا ریب اطمینان به وجود می آید هفت تا روایت به نقل مشایخ ثلاث جوامع معتبر روایی مسنده اطمینان بوجود می آید حداقل قولی هم هست که اگر سه تا روایت با سند صحیح اعلائی می شود متواتر و گفته می شود با هفت تا سند حد متوسط یا ابتدایی متواتر است و حد مطمئن مستفیضه است اینها عددهای تخمینی و درست هم هست و اگر ده تا روایت بشود قطعاً حد تواتر است بسیار خوب نصوص در حد استفاضه دو تا روایت را از باب شاهد مثال برای شما عزیزان عرضه بداریم یک روایت شماره 9 همین باب محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق قال قال الصادق عن الصادق هم نیست روی الصادق نیاز دارد به بحث عن الصادق حد وسط قال الصادق مسئولیت برای خودش و مطمئن است قال الصادق عشره اشیاء من المیته زکیه سند را ذکر نکرده هر چند صاحب جواهر می گوید که در جای دیگر سند را ذکر کرده است در عین حال که قال الصادق از مراسیل است در جای دیگر سند هم ذکر شده بعد می فرماید از جمله این ده مورد انفحه زکیه که اینها پاکند سند درست نصوص در حد مستفیض دلالت کامل و حکم هم مفتا به صاحب جواهر (ره) در کتاب جواهر الکلام جلد 5 از صفحه 322 تا صفحه 331 این موضوعات و این موارد را بحث می کند این سه مورد را برجسته کرده بیضه المیته و نفحه و لبن می فرماید این حکم مورد اجماع هم هست اجماع درباره این حکم نقل شده است و نصوص هم در مورد این حکم در حد استفاضه است سوالی بکنیم و جوابش را از خود متن روایت بیرون بیاوریم سوال این

است انفحه که معنایش در لغت اهل لغت هم درباره اش اختلاف دارند مصباح که مطمئن ترین لغت نامه در بین فقها هست می گوید انفحه یک ماده زرد رنگی است که از شکم نوزاد گوسفند و بز گرفته می شود قبل از آن که علفی بخورد فقط شیر خورده و شیر در شکم و یا کرشش باقی مانده در حالت انجماد پیدا کرده در شکم بعد از نوزاد مرده این ماده از شکمش بیرون آورده می شود برای استفاده به عنوان پنیر مایه مورد استفاده است این معنا در زمان صدور روایت هم مشخص بوده است معنا این است دلالت هم کامل

دو اشکال بر طهات انفحه و پاسخ آن

اما اشکالاتی در این رابطه وجود دارد اشکال اول این است که آن جدی و بزغاله ای که تازه از مادر متولد شده است ذبح شرعی نشده است مرده مردار است میتة اس میتة هم که نجس است این ماده هم در شکم او با اجزای میتة مساس و تماسی دارد و قابل تطهیر هم هست یا نیست معلوم نیست شی ای که شک در قابلیت طهارتش داشته باشیم اصل عدم قابلیت است این اشکالی است که گفته می شود و بعد ملاقات با نجس قاعده معروف منجسیت نجس است این قاعده را بارها گفتیم این اشکال این اشکال را خود روایت تعرض می کند و جوابش را می دهد روایت همین باب 33 حدیث اول ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام هم از اصحاب امام باقر است هم از اصحاب امام سجاد که معروف است و این دو تا ابی حمزه یکی در جلالت اسوه است و معروف و مشهور هست که ابی حمزه ثمالی است یکی هم ابوحمزه بطنانی که در کذب و فسق و مردود بودن معروف است که درباره اش تعابیری آمده است کذاب عبارات عجیبی که درباره ایشان آمده است ابوحمزه از امام باقر نقل می کند که قتاده آمد پیش امام باقر عرض کرد [اخبرني عن الجبن فقال لا. باس به](#) [شرح می دهد فقال انه ربما جعلت فيه انفحه الميت فقال ليس به باس](#) اشکال ندارد می فرماید [فقال ليس به باس ان الانفحه ليس لها عروق و لها فيها دم تحله الحياه ليست و لا لها عظم انما تخرج من بين فرث و دم](#) تا اینجا که گفته شد کامل مطلب را بیان کرد جواب سوال را داد کاملتر می کند می فرماید [و انما الانفحه بمنزله دجاجة ميتة اخرجت منها بيضة](#) تنظیر خیلی کامل یک استدلال کامل جواب از سوال ذهنی ما بسیار کاملی است مطلب کامل شد یک نکته کوچکی باقی ماند و آن اشکالی درباره قاعده که این خلاف قاعده منجسیت است جوابش را سید الاستاد داده است قاعده قاعده عقلی نیست که قابل تخصیص نباشد به وسیله نصوص با این عظمت از لحاظ کیفیت و کمیت قاعده تخصیص می خورد قاعده منجسیت نجس در این مورد تخصیص خورده مضافاً براینکه توجیه وجود دارد هر چند تا حدودی توجیه اش عقلی می شود که بگوییم شیری بود آمد در داخل بدن سخله بزغاله آنجا که نجس نشد باطن که حکم ندارد بیرون که آمد اصلش شیر بود تکنون یافته در کشر سخله الان بیرون آمده ظاهرش را اب می کشید گفتم توجیه اش عقلی است جواب اصلیش همان تخصیص بوسیله نصوص این توجیه عقلی را پر رنگ نکردم و سریع رد بشویم این مطلب تمام

لبن (از مستثنیات در میتة)

الان رسیدیم به موضوع لبن که چهارم است این موضوع هم نیاز به بحث دارد و روایات و نصوصی که درباره طهارت لبن آمده در همین باب 33 کل روایات سه تا روایت است این سه تا روایت درباره لبن حکم به طهارت اعلام می کند اما در همین باب یک روایت داریم از وهب

بن وهب دال بر نجاست

تحقیق مطلب

این لبن حیوان میته بحث را تحقیق کنیم اولاً. از لحاظ اقوال حکم لبن میته مورد اجماع نیست محل اختلاف است عده ای فقها حکم به طهارت اعلام کرده اند از ان جمله خود شیخ طائفه (ره) در کتاب نهاییه صفحه 585 و مرحوم شهید در ذکره که کتاب کوچکی است صفحه 14 و مرحوم شیخ صدوق در کتاب فقیه من لا یحضره جلد 3 صفحه 219 و صاحب غنیه در کتاب غنیه صفحه 401 این عده حکم به طهارت اعلام کرده اند بر اساس این نصوص سه گانه که گفتیم از جمله ان نصوص روایت شیخ صدوق حدیث شماره 9 باب عده دیگر از فقها در نقطه مقابل حکم به نجاست اعلام کرده اند از این عده علامه حلی (ره) کتاب تذکره جلد صفحه 64 و محقق ثانی جامع المقاصد جلد 1 صفحه 168 و مرحوم حلی ابن ادریس در کتاب سرائر جلد 3 صفحه 112 این عده دوم بود که حکم به نجاست اعلام کردند ادله طهارت سه تا نص بود که مشهورش را گفتم از جمله کسانی که حکم به نجاست اعلام کرده است شیخ انصاری (ره) کتاب طهارت صفحه 345 و مرحوم افاضیاء عراقی هاشم عروه الوثقی شیخ انصاری استدلال را پی می گیرد ادله شیخ انصاری است یک حدیث است که معارضه دارد با ان نصوص سه گانه و قواعد باب قاعده منجسیت نجس و عمومات میته و عدم دلیل بر طهارت بنابراین الان رسیدیم به جایی که ادله طرفین را درباره طهارت و نجاست لبن خارج از ذرمیته بحث کنیم تتمه بحث برای فردا